



# مروری بر مؤلفه‌های تأثیر گذار بر مدیریت منابع نفتی و امنیت انرژی

محسن مهری<sup>۲</sup> ■ دانشگاه تهرانمجتبی کریمی<sup>۱</sup> ■ پژوهشگاه صنعت نفت

## ◆ مقدمه

انرژی و تامین آن از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای جهان است و بشر برای ادامه توسعه به شدت نیازمند منابع در دسترس انرژی است. در کنار واژه انرژی، مفهوم پیچیده و مهم دیگری با نام امنیت انرژی مطرح است. پیچیدگی این مفهوم از آن‌جا ناشی می‌شود که مفهوم انرژی در جایگاهی مابین دو مفهوم مهم ژئوپلیتیک و اقتصاد قرار گرفته است، دو مفهومی که دارای تأثیر مستقیم و غیر مستقیم فراوان بر تعاملات کشورها در بعد بین‌المللی و نیز مدل زندگی اجتماعی در بعد داخلی است. به همین دلیل متغیرهای تأثیرگذار بر این مقوله از لحاظ کمی و کیفی بسیار گسترده بوده و بر این اساس سیاستگذاران پاسخ‌های متنوعی به مسائل پیرامون امنیت انرژی می‌دهند. هنگامی که مفهوم امنیت انرژی با عناوینی مانند توزیع ثروت و عدالت اجتماعی، نرفین منابع<sup>۳</sup> یا تناقض فراوانی<sup>۴</sup>، نفت برای توسعه<sup>۵</sup> و همچنین حکمرانی خوب<sup>۶</sup> یا نظام تدبیر شایسته همراه گردد، لزوم توجه

دقیق و بررسی چند جانبه عوامل موثر بر آن آشکارتر می‌گردد. از سویی دیگر در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، نفت و انرژی به‌عنوان ابزار اعتمادسازی، محور تعامل سازنده و موتور توسعه ملی، قادر است نقشی اساسی در پیوند ایران با جهان ایفا کرده و به عامل مقوم امنیت جهانی انرژی در یک ساختار مبتنی بر همکاری بین‌المللی تبدیل شود. به همین منظور در این نوشتار سعی نموده‌ایم ضمن معرفی مفاهیم نرفین منابع، نفت برای توسعه و حکمرانی خوب و بسط و توسعه این موضوعات، مدل امنیت انرژی را با ادبیات مناسب و ساده بیان نماییم.

## ◆ پیشینه بحث

استراتژیک بودن کالای مورد مبادله به دلیل نیاز روز افزون مصرف‌کننده به عنوان ماده اولیه بسیاری از صنایع و همچنین نیاز تولیدکننده به منابع مالی حاصل از یک سو و تأثیر نوسان قیمت جهانی انرژی بر نحوه کشورداری و حکمرانی و چگونگی هزینه کرد

بین‌المللی اداره می‌کردند. البته شرکت‌های نفتی به این چند شرکت محدود نمی‌شدند و طی آن سال‌ها نیز شرکت‌های بزرگ دیگری در عرصه این صنعت تجارت می‌کردند.

در این دوره خاورمیانه نقش مهمی در تولید نفت خام داشت. شرکت‌های بزرگ نفتی، منابع نفت این منطقه را استخراج کرده و در بازار می‌فروختند و حق‌السهم اندکی به صاحبان اصلی این مناطق تعلق می‌گرفت. اساس قراردادهای امتیازی بر آن بود که منافع نفتی هر کشور، به شرکت بهره‌بردار تعلق بگیرد و به تبع آن، تاسیسات روی زمینی و زیر زمینی، چاه‌های نفتی و نفت استخراجی به آن شرکت می‌رسید. در مقابل، شرکت به کشور میزبان، میزان مشخصی مالیات و درآمد پرداخت می‌کرد.

همین مسائل (بهره‌برداری و

این منابع به منظور توسعه و تعالی از سویی دیگر، هم‌چنین جلوگیری از فساد بالقوه هنگام مواجه شدن با درآمدهای کلان و برنامه‌ریزی صحیح برای دوره‌های زمانی کاهش درآمدها(به هر دلیل) سبب می‌گردد که پیچیدگی و درهم‌تنیدگی عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیز قوانین و مقررات و عملکرد دستگاه‌های ناظر همگی جزو عوامل تأثیرگذار داخلی در بررسی موضوع باشند. به همین منظور در بررسی معیارهای امنیت انرژی، بررسی ارتباط تولید نفت و رشد اقتصادی لازم به نظر می‌رسد. در فرایند برداشت و استفاده از میداین نفتی، اولین حلقه ارتباط اقتصادی موضوع قراردادهای نفتی است. تا چند دهه قبل، اکثر عملیات تولید و فروش نفت خام در سراسر جهان در انحصار شرکت‌های نفتی محدودی قرار داشت که به هفت خواهران نفتی شهرت داشتند. این شرکت‌ها اکسون Exxon، موبیل Mobile، شل Shell، بی‌پی BP، شوروون Chevron، تکزاکو Texaco و گلف Golf نام داشتند که تجارت نفت خام را در سطح

<sup>۱</sup> mojtabaz.karimi@gmail.com

<sup>۲</sup> mohmehr@yahoo.com

<sup>۳</sup> Resource Curse

<sup>۴</sup> Paradox of Plenty

<sup>۵</sup> Oil for Development

<sup>۶</sup> Good Governance



بیماری هلندی خوانده می‌شود. کاوید. نتایج این مطالعات مفهوم شناخته شده‌ای را با نام "نفرین منابع" یا "پارادوکس فراوانی" پدید آورده است. این نظریه بیان می‌کند که در اغلب کشورهای غنی از لحاظ دارایی منابع طبیعی، رشد اقتصادی در یک دوره طولانی مدت، نسبت به دیگر کشورها کمتر است و این کشورها با یک شکاف توسعه‌ای در پشت سر کشورهای فقیر به لحاظ منابع طبیعی قرار می‌گیرند.

از نتایج نفرین منابع می‌توان به بیماری هلندی<sup>۸</sup>، نیاز به کارگران با مهارت‌های اندک، کاهش تمایل به پس انداز، احساس امنیت کاذب، عدم تعادل ناشی از نوسانات قیمت نفت در بودجه و ساختار حکومت، ستیز گروه‌های سیاسی برای کسب رانت هرچه بیشتر از منابع طبیعی، بزرگ شدن دولت و عدم اقتصاد رقابتی اشاره کرد.

منابع طبیعی همچون نفت برای بسیاری از کشورها نظیر ایران که تکیه گاه اقتصادی آن‌ها بر منابع طبیعی است در دسر ساز شده است. در تئوری‌های اقتصاد مدرن به این حالت مصیبت منابع طبیعی گفته می‌شود. مصیبت منابع زمانی اتفاق می‌افتد که کشوری منابع طبیعی فراوانی

### 7 Resource Curse

<sup>۸</sup> بیماری هلندی (Dutch disease) یک مفهوم اقتصادی است که بیان می‌کند چگونه استفاده از درآمد منابع طبیعی (مثلاً درآمدهای نفتی) باعث افول در تولید می‌شود. این عنوان در سال ۱۹۷۷ برای نامگذاری پدیده کاهش تولید در هلند پس از کشف گاز طبیعی در دهه ۶۰ بوجود آمد. "بیماری هلندی" در واقع یک مفهوم اقتصادی است برای توضیح رابطه بین بهره برداری از منابع طبیعی و کاهش تولید. به این صورت که افزایش در منافع به دست آمده از منابع طبیعی (مانند نفت و گاز) به دلیل این که تبادلات ارز را افزایش می‌دهد، تولید را در اقتصاد یک کشور کاهش می‌دهد.

درآمدهای نفتی و وابستگی ملل جهان به نفت، روشی را به کار گیرند تا از نواسانات بی‌مورد و ناخواسته در قیمت جلوگیری شود و از این رو کشورهای شرکت کننده در کنفرانس ۱۹۶۰ در بغداد با موضوع تصمیم‌گیری درباره اتخاذ سیستم کنترل قیمت تشکیل شد. اما از دوره‌ای به بعد، با تغییر ساختار اقتصادی جهان، شرکت‌های نفتی بین‌المللی، دیگر جایگاه سابق خود در منابع تولید را در حوزه انرژی نیافتند. حساسیت غربی‌ها به نسبت به تولید که دسترسی آسان و مباحثرت در تولید و قیمت گذاری بود تغییر کرد و امروزه تنها نکته‌ای که برای کشورهای غربی و صادر کننده نفت اهمیت دارد، امنیت عرضه نفت است. بخش عرضه نفت، یعنی کشورهای صاحب این منبع خدادادی نیز خود درگیر نیازها و چالش‌ها و مسائل جدیدی شدند که یکی از مهم‌ترین اینها مسئله مصیبت و یا نفرین منابع است.<sup>[۳]</sup>

### ♦ نفرین منابع<sup>۲</sup>

تجربه و مطالعات نشان می‌دهند که رشد کشورهایی که منابع نفتی داشتند و به طور کلی به صادرات مواد اولیه به خصوص مواد اولیه غیر وابسته بودند، بیشتر از کشورهایی بوده است که مواد اولیه‌ای مانند نفت داشتند. در بحث بر سر عوارض نفت در اقتصاد، دو دهه است که ادبیات اقتصادی غنی و پر باری به وجود آمده است که البته ریشه این حجم عظیم از مطالعات را باید در چهار دهه پیش و پس از آنچه عارضه

علی‌رغم واکنش اولیه دولت‌ها، یکبار دیگر نیز در اوت سال ۱۹۶۰ قیمت نفت کاهش یافت. لذا یک ماه پس از این حادثه اوپک تشکیل شد. سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) در دسامبر ۱۹۶۰ در بغداد تشکیل شد. هدف اصلی تشکیل این سازمان متحد کردن و هماهنگ کردن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو بود. کشورهای عضو اوپک از ۱۹۸۲ در مورد قیمت و سهمیه بندی نفت خود اجلاسهای منظمی برگزار می‌کنند. اوپک در ابتدا شامل ۵ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا بود. بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۲ کشورهای دیگری نیز به عضویت اوپک در آمدند، قطر (۱۹۶۱)، لیبی (۱۹۶۲) اندونزی (۱۹۶۲)، امارات متحد عربی (۱۹۶۷)، الجزایر (۱۹۶۹) و نیجریه (۱۹۷۱). اکوادور و گابن هم از اعضای اوپک بودند، اما اکوادور در دسامبر ۱۹۹۲ از اوپک کناره گیری کرد و گابن هم با پیروی از اکوادور در ژانویه ۱۹۹۵ این کار را انجام داد و از عضویت اوپک خارج شد. در نتیجه اوپک با ۱۱ عضو به کار خویش ادامه داد که اندونزی نیز در سال ۲۰۰۸ استعفا داد و اکوادور به عضویت اوپک درآمد و با عضویت آنگولا در اوپک در حال حاضر اعضای اوپک شامل ۱۲ کشور می‌باشد.

برنامه کلی اوپک با توجه به اساسنامه آن این بود که با در نظر گرفتن استقلال هر یک از کشورهای عضو و توجه کردن به واقعیت‌هایی نظیر محتاج بودن کشورهای صادرکننده به

حاکمیت شرکت بیگانه بر منافع داخلی) و سایر موضوعات داخلی کشورها، ملی شدن نفت را رقم زد و عملاً حاکمیت شرکت‌های بین‌المللی نفتی (IOCs) بر منابع نفتی کشورها با این مسئله پایان یافت و یکی از مهم‌ترین اهداف کشورها هم که همانا افزایش سود و درآمد حاصله از نفت بود تا اندازه‌های محقق شده بود. ایران پیش‌تاز موج ملی شدن‌ها یا نشنالیزم نفت در جهان بود و بعد از آن، این روند در همه کشورهای نفت خیز تا ۲۰ سال تداوم یافت. ملی شدن صنعت نفت علیرغم استقبال بسیاری از کشورها از آن، چندان توقعات و انتظارات نخبگان و سیاستمداران مبدع این جریان را برآورده نساخت. پس از آن گروهی هماهنگ متشکل از کشورهای صاحب نفت یعنی اوپک به عنوان ابزاری جهت رفع موانع و هماهنگی‌های مورد نیاز تشکیل شد. بحث بر سر قیمت نفت و هم‌چنین همکاری کشورهای نفت خیز با یکدیگر در تقابل با شرکت‌های نفتی بین‌المللی از جمله برنامه‌های اوپک بود که تا اندازه‌های عملی شد.

اما مهم‌ترین عامل مستقیم و موثر در تشکیل اوپک کاهش قیمت اعلان شده نفت در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ بود که این کاهش قیمت به اخلاص در برنامه کشورهای صادر کننده نفت منجر شد. اولین کاهش قیمت در فوریه ۱۹۵۹ روی داد که باعث عصبانیت فراوان تولیدکنندگان شد به ویژه اینکه پیش از کاهش قیمت هیچگونه مذاکره‌ای با دولت‌های مورد بحث انجام نگرفت.



در اختیار دارد و از این طریق درآمد آسانی برای آن کشور ایجاد می‌شود و این درآمدها در اختیار دولت آن قرار می‌گیرد. این چنین حالتی باعث کندی رشد اقتصادی در آن کشور شده و گاه باعث توقف و حتی رشد منفی اقتصادی می‌شود.

نفت مهم‌ترین کالای صادراتی و مهم‌ترین منبع درآمد کشور ایران است و در بهترین روزگار تولید و صادرات در چند سال اخیر به طور میانگین سالانه درآمدی حدود ۸۰ میلیارد دلار پدید آورده است. این حجم از درآمد نفتی در کنار آمار تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی کشور مبین آن است که چنانچه تکیه اقتصاد بر نفت باقی بماند و وضعیت موجود ادامه یابد، همچنان در مقایسه با اقتصاد کشورهای پیشرفته و کشورهای هند و چین اقتصاد کوچکی خواهیم داشت. نفت برای ایران تبعات مثبت و منفی بسیاری داشته است، از سویی اولین صنعت جدی که در ایران احداث شده نفت بوده و پیش از آن صنعت ایران به لحاظ سخت‌افزاری، بسیار محدود بود، گرچه دلیل پیشرفت اولیه سخت‌افزاری صنعت نفت نه به خاطر نیاز جامعه ایرانی که به دلیل نیاز غرب به انرژی ارزان و نوین بود. گذشته از این موارد به نظر می‌رسد که الگوی غالب در ایران از گذشته تا به حال همواره استفاده از ذخایر هیدروکربوری برای تامین منابع مالی مورد نیاز کوتاه‌مدت یا میان‌مدت بوده و فقدان یک راهبرد بلندمدت و هدفمند برای کاربرد این ذخایر برای تامین توسعه ملی از یک سو

و کمک به امنیت ملی و بین‌المللی از سوی دیگر به شدت احساس می‌شود.

مطالعه روند رشد اقتصاد و تحولات کشورهای توسعه یافته دنیا مسیر بحث را روشنتر می‌کند. برای مثال حجم تولید ناخالص ژاپن ۴۰۰۰ میلیارد دلار است در حالی که این کشور نه ذخایر نفتی و نه حتی ذخایر معدنی دارد. کره جنوبی همزمان با ایران توسعه اقتصادی را آغاز کرده است و اینک کشوری پیشرفته محسوب می‌شود. این کشور نیز ذخایر نفتی و معدنی در اختیار ندارد.

نروژ نمونه خوب، مثال زدنی و درس آموز دیگری برای سیاستگذاران و دولتمردان ماست. قابل تامل است که چرا کشور پیشرفته‌ای چون نروژ تا این حد از ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد خود اجتناب می‌کند. شاید اگر درست می‌اندیشیدیم و با هدف آموختن به بررسی و مطالعه شرایط این کشور می‌پرداختیم تا این حد اقتصاد کشور بر درآمدهای نفتی متکی نبود و باعث درهم ریختگی و بی‌انضباطی مسائل اقتصادی و مدیریتی نمی‌شد، نفت بیش از آنکه موجب مصیبت و بدفرجامی برای اقتصاد و افزایش فقر و بیماری‌های بزرگ اجتماعی شود، به مثابه ابزار توسعه و برای توسعه عمل می‌کرد و مسائل سیاسی، اقتصادی را سامانی دیگر می‌داد. [۱،۲]

#### ◆ نفت برای توسعه

یکی دیگر از مفاهیم امروزی و نسبتاً جدید در علوم اقتصادی و ادبیات تعالی، مفهوم نفت

برای توسعه است. مفاهیمی نظیر امنیت انرژی، تغییرات آب و هوایی، شفافیت دولت‌ها و فساد لغاتی هستند که پیوستگی نزدیکی با نفت دارند. نفت برای توسعه برنامه‌ای است که تمرکز آن بر حکمرانی مناسب، شفافیت و مقابله با فساد بوده و پایه‌های اساسی آن بر مدیریت منابع، مدیریت درآمدها و حفظ محیط زیست است. امروزه و در میدان عمل، دغدغه بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت این است که به جای اینکه نفت به طور مساوی در اختیار همه مردم قرار گیرد، بتواند در بهبود زندگی مردم موثر باشد. بیش از سه و نیم میلیارد نفر در کشورهایی که از نظر منابع نفت، گاز یا مواد معدنی غنی هستند زندگی می‌کنند. با استفاده از رعایت اصول مناسب حکومتی که تحت عنوان "حکمرانی خوب" بیان می‌گردد، استخراج این منابع می‌تواند منجر به تولید درآمدهای زیاد، توسعه، تعالی و رشد اقتصادی و کاهش فقر گردد. هرچند در صورت ضعف نحوه مدیریت، این منابع خدادادی می‌تواند منجر به فقر، فساد و معضلات سیاسی-اجتماعی فراوانی گردد.

یکی از مهم‌ترین سوالات پیش روی کشورهای صاحب نفت، این است که چه کنند تا محرک اقتصادی‌شان به سمت بودجه غیر نفتی و رشد اقتصادی سریع‌تر حرکت کند. چرا زمانی که قیمت نفت در هر کدام از این کشورها پایین می‌آید، آهنگ توسعه‌شان تندتر می‌شود و زمانی که قیمت جهانی نفت بالا می‌رود، رشد

اقتصادی آن‌ها کاهش می‌یابد؟ این مطلبی است که در کشورهای نفتی مدعی پیشرفت به آن توجه شده و آنها بیش از اینکه به دنبال رقابت میان گروه‌های نفتی برای بالا بردن قیمت نفت باشند در پی حل این پارادوکس نفت - توسعه هستند. هم اکنون سازمان‌ها و موسسات بین‌المللی در این زمینه در حال فعالیت و ارائه استراتژی هستند. هم چنین تجربه کشورهای نظیر برزیل، نروژ و مالزی در این زمینه حاکی از توفیقات آنها در مقابله با چالش‌های محتمل درآمدهای منابع زیرزمینی بوده است و مطالعه نوع حاکمیت و تعامل با نفت در این کشورها درس آموز است.

از این نقطه نظر و از نگاه اصل "نفت برای توسعه" هرگونه عملکرد دولت را نمی‌توان جایز شمرد، چه اینکه تجربیات تاریخی بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد عملکرد نامناسب دولت‌ها و پیگیری تصمیم‌های نادرست مالی و پولی عواقب مصیبت‌باری برای کشورها و ملت‌ها به بار آورده است. سیاست‌های مالی یک وجه از سیاست‌های کلان اقتصادی که در ارتباط عمیق با اصل مورد بحث است را تشکیل می‌دهد. در واقع سیاست‌های مالی که بخش سیاسی یک جامعه اتخاذ می‌کند، کارت شناسایی آن جامعه و شرایط و اوضاع احوال تمدنی است که سیاست‌ها در محیط آن شکل گرفته و اجرا می‌شود. سیاست‌های مالی در چارچوب بودجه هر کشور شکل



لازم است اطلاعات صحیح و مورد نیاز عموم جمع آوری و به صورت قابل فهم در اختیار آنها قرار داده شود.

با توجه به این امر، شفاف شدن وضع درآمدهای نفتی به عنوان منبع تولید ثروت و موتور محرک صنعت و اقتصاد در دهه‌های جاری، علاوه بر بالابردن اعتماد بین حکومت و مردم، موجب تقویت و استحکام جایگاه بین‌المللی در بازار انرژی شده و سبب تشویق شرکت‌های مطرح انرژی در زمینه فناوری و مدیریت بر آن به مشارکت و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌گردد.

برنامه‌ریزی ناصحیح و نیز عدم شفافیت می‌تواند منجر به چالش‌هایی مانند نفرین منابع و فساد گردد؛ فساد اقتصادی، اداری و سیاسی از درجه اثر بخشی دولت‌ها می‌کاهد تا آن اندازه که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه سازد.

در سال‌های اخیر به منظور مواجه شدن با چالش‌های مذکور، مکانیزم‌هایی در سطح بین‌المللی طراحی شده و در برخی کشورها

اجماع محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان و نهایتاً حاکمیت قانون. این مفاهیم تضمین‌کننده حداقل فساد و حداکثر احترام به اقشار آسیب‌پذیر در مراحل مختلف تصمیم‌گیری بوده و خود را در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه و حتی نسل‌های آتی مسئول می‌داند. [۲]

حل معضل بیکاری، اشتغال‌زایی، کاهش نرخ تورم و کنترل نقدینگی، ارتقای شاخص‌هایی مانند رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تولید ناخالص داخلی، افزایش درآمد سرانه و کاهش فساد مالی-سیاسی و اداری از نشانه‌های تعالی حکمرانی، استفاده صحیح از منابع نفتی و حرکت به سوی اهداف چشم‌انداز می‌باشند.

همانگونه که اشاره شد یکی از رئوس اصلی نظام تدبیر، شفافیت است. شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آن‌ها تاثیرگذار باشد. در راستای دستیابی به این هدف،

تنها راه چاره توسعه و پیشرفت اقتصادی خود دانسته و هر روز که می‌گذرد اهمیت آن برایشان بیشتر میشود به طوری که در سال ۲۰۰۲ طی چهار روز در حدود ۸۳۰ گزارش در رابطه با حکمرانی خوب منتشر گردیده است.

در حال حاضر دو پارادایم یا چهارچوب اصلی برای اداره عمومی مطرح است. پارادایم نخست حکومت نام دارد و مسئولیت تمام امور بر عهده آنست. حکومت موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه و شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه به شمار می‌روند. ضمن آنکه هر سه بخش مذکور در تعامل با یکدیگر قرار داشته و ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آن‌ها تعادل اجتماعی را برهم خواهد زد.

حکمرانی خوب دارای هشت مولفه اصلی است. این مولفه‌ها عبارتند از مشارکتی بودن،

می‌گیرد و نحوه اخذ درآمدهای بودجه و نحوه هزینه‌کرد آن به نحوی است که تا عمیق‌ترین لایه‌ها و آحاد نظام اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. [۵،۴] ۲۵ درصد جی‌دی‌پی، ۸۰ درصد درآمد ارزی و ۶۰ درصد بودجه کشور از درآمدهای نفتی تأمین می‌شود و بدون در نظر گرفتن نفت، سهم کشور در تجارت جهانی در حد ناچیزی است.

#### ◆ حکمرانی خوب

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است موضوع حکمرانی خوب است. این ایده جدید که جایگزین مفهوم حکومت شده است و از آن به عنوان نظام تدبیر شایسته نیز یاد شده است، به خصوص در کشورهای در حال توسعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه وقتی از اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری مانند خصوصی‌سازی و مقررات زدایی ناامید شده‌اند، حکمرانی خوب را به عنوان

اختلاف بین اعداد منتشر شده توسط دولت و ارقام منتشر شده توسط شرکت‌های خارجی

شرکتهای خارجی									
شرح	منتشر شده توسط دولت		منتشر شده توسط شرکت‌های خارجی				تفاوت		حجم
	ارزش مالی		ارزش مالی		ارزش				
	حجم	ارزش مالی	حجم	ارزش مالی	حجم	ارزش	حجم	ارزش	
	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار
ورودی مالی از تولید نفت	۴۷/۴	-	۳۵/۳	-	-	۱۲/۱	-	-	-
ورودی مالی از تولید گاز	۱۳۱/۲	-	۱۳۱/۲	-	-	-	-	-	-
نفت خام	-	۱۵۰/۲	-	۱۹۵/۶	-	-	-	۴۵/۴	-
گاز طبیعی	-	-	-	۱۹۸۴۵۶۹/۵	-	-	-	-	۱۴۴۷۷۶/۵



که از لحاظ منابع استخراجی شباهت به وضعیت ایران دارند در حال اجراست. یکی از این ابزارها طرح شفاف‌سازی صنایع استخراجی است که با هدف شفاف نمودن قراردادهای و انتشار مبالغ پرداختی بنا شده است.

طرح شفاف‌سازی صنایع استخراجی با هدف تقویت نحوه حاکمیت توسط تصحیح به کمک بالابردن میزان شفافیت و پاسخ‌گویی در صنایع استخراجی و به عنوان ابزاری برای تامین امنیت توزیع انرژی طراحی شده است. شفاف‌سازی دو کارکرد عمده را در پی خواهد داشت؛ اول، ایجاد امنیت داخلی و ثبات سیاسی کشورهای غنی از منابع انرژی و دوم، سهولت در امر استخراج و انتقال انرژی به بازارهای جهانی.

#### ◆ طرح شفاف‌سازی صنایع استخراجی

طرح شفاف‌سازی صنایع استخراجی EITI، مجموعه‌ای است از دولت‌ها، شرکت‌ها، و نهادهای مردمی که یک استاندارد جهانی را برای مدیریت درآمدهای ناشی از منابع طبیعی وضع می‌نمایند. این استاندارد توسط کشورهایایی که از لحاظ منابع طبیعی غنی هستند قابلیت اجرایی شدن دارد. ساختار اصلی طرح در سطح بین‌المللی و ملی که اصول و معیارهای اجرایی بر حسب آن تعبیه شده‌اند توسط یک گروه بین‌المللی هدایت می‌گردد که نماینده همه سهام‌داران عضو می‌باشد.

طرح شفاف‌سازی صنایع استخراجی به‌طور رسمی از سال ۲۰۰۳ به‌عنوان استاندارد جهانی شفاف‌سازی در بخش صنایع استخراجی مطرح شده است. تمرکز اصلی آن بر تطبیق دریافت و پرداخت‌های مالی مابین دولت‌های عرضه‌کننده و شرکت‌های فعال در صنایع مزبور و سپس ارائه آن در معرض دید عموم استوار است. هدف این طرح تعیین موارد اختلاف بین صورت دریافت‌ها و پرداخت‌ها و در نهایت بررسی علل و عوامل پیدایش این اختلاف‌هاست. در برخی از موارد تفاوت‌هایی در صورت‌های مالی منتشرشده شرکت‌ها و دولت رؤیت شده که پس از شناسایی علل آن توسط هیأت مستقل، راهکارهای اصلاحی ارائه می‌گردند. به‌عنوان مثال هیأت مستقل تفاوت مشاهده شده در ردیف اول جدول ۱ را ناشی از این امر دانست که یکی از شرکت‌های موردنظر، گزارش مربوط به پرداخت‌های خود به دولت را منتشر نموده است.

طرح مذکور در حال حاضر از ۳۲ کشور مجری، ۳۸ شرکت بین‌المللی نفت، گاز و صنایع معدنی، ۸۰ موسسه سرمایه‌گذاری جهانی، صدها گروه و شبکه مردمی غیردولتی و کشورهای حامی تشکیل شده است. امید است با بهره‌گیری از تمامی ابزارها و ساز و کارهای موجود و شفاف‌سازی قراردادهای نفت، گاز و سایر صنایع استخراجی و نیز بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و بومی‌سازی روندها و ساختارسازی مناسب به

منظور کاستن از فساد محیط‌های سازمانی و اداری از نقطه نظر عملکردی، شاهد ارتقای اعتماد بین‌المللی به منظور تامین منابع و انتقال دانش فنی و مدیریتی و نیز افزایش اعتبار و مرتبه کشور اسلامی‌مان در راستای رفع فساد باشیم و با ارائه مکانیزم‌های بومی مناسب، صاحبان خرد را در این مبارزه و تلاش شریک و سهیم سازیم.

#### ◆ نتیجه‌گیری

در این مقاله مروری کوتاه بر چند مفهوم مهم مرتبط با نفت، امنیت انرژی و نوع اداره حکومت انجام گرفت. مفاهیم نفرین منابع، نفت برای توسعه، حکمرانی خوب و طرح شفافیت نفتی از مفاهیم به روز و مهم در سطح جهان هستند که مدل اقتصاد، انرژی و امنیت انرژی کشورها را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهند. حکمرانی خوب و شفافیت از لوازم موفقیت در کشورهای دارنده شرکت نفت دولتی و ملی (NOC) بیان شده است و پایبندی به اصول و مولفه‌های آن برای پیشرفت آن شرکت و کشور الزامی است. این اصول نظیر حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، اجماع و مشارکتی بودن است که در مقاله حاضر تنها به ارائه تعریف و شرح مختصری از آنها اکتفا شد. همچنین طرح شفاف‌سازی صنایع، خود اصل مهم دیگری است که در جهان معاصر جهت شفافیت هرچه بیشتر و کارآمد نمودن صنایع استخراجی از جمله

نفت و گاز ارائه شده است. بدیهی است توضیح و تفسیر جامع هر کدام از این مقولات، از حوصله یک مقاله خارج بوده و امید است امکان پرداخت قوی و مناسب این مباحث در آینده فراهم گردد.

#### ◆ منابع

[۱] اندیشه آزادی؛ نگاهی از منظر اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر، محمد طیبیان، موسی غنی‌نژاد، انتشارات پیشبرد

[۲] بودجه‌ریزی و نظام تدبیر در ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، کمیته پژوهشی برنامه و بودجه، گروه پژوهشی اقتصاد-بایزید مردوخ، فروردین ۸۸

[۳] تازه‌های انرژی، سال سوم، شماره ۱۵، نیمه دوم فروردین ۸۹، شنالیزم نفتی، بیژن نامدار زنگنه.

[۴] تازه‌های انرژی، سال سوم، شماره ۱۵، نیمه دوم فروردین ۸۹، بودجه و ضرورت پاسخگویی، منصور بیطرف

[۵] تازه‌های انرژی، سال سوم، شماره ۱۵، نیمه دوم فروردین ۸۹، گذشته چراغ راه آینده نیست، موسی غنی‌نژاد

[۶] مانیفست توزیع مستقیم نفت میان مردم، محمد صادق حسینی

<sup>9</sup> Extractive Industries Transparency Initiative